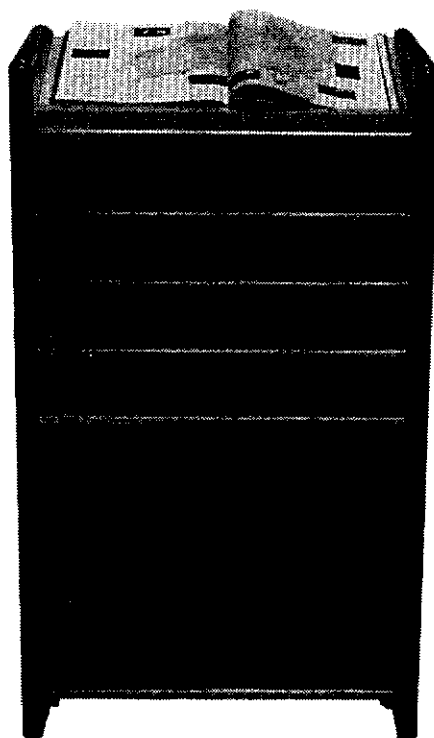




تصحیح متون

و اهمیت آن^۱

تألیف: حمید سلیم گندمی
کارشناس ارشد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه:

شاخص‌های علم، فرهنگ و تمدن از جمله مهمترین شاخص‌های برتری و تفوق یک ملت است و برای نشان دادن موقعیت علمی، فرهنگی و بررسی تاریخ تمدن یک ملت یا یک گروه، به تاریخ علم، فرهنگ و تمدن آن ملت یا گروه، در گسترده حیات آن، از آغاز تا زمان حال توجه می‌شود و با این نگرش تاریخی، می‌توان به قضاوت درباره سوابق فرهنگی - علمی و تمدن یک ملت پرداخت.

بدون تردید از مهمترین دلایل روی آوردن به تحقیقات تاریخی و در کنار آن علوم مربوط به باستان‌شناسی، عشق و علاقه‌ای است که علماء هر قوم، برای نشان دادن اصالت فرهنگی، علمی و تمدنی ملت خویش و به تصویر کشیدن آن برای سایر ملل و اقوام، در خود احساس می‌کنند. پاسخ به این علقه درونی که بی‌ارتباط با علل بیرونی نمی‌باشد، موجب شده است که دولتمردان و علماء و دانشمندان، بخشی از نیرو و توان خود را جهت بازشناسی جلوه‌های فرهنگ و تمدن ملت، و یا اعتقادی که به آن وابستگی دارند، مصروف نمایند. کتاب، کتابت و کتابخانه از جلوه‌های روشن و درخشان هر ملت یا گروه هستند که از طریق آنها می‌توان به شناخت فرهنگ و تمدن آن ملت و گروه دست یافت.

ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، خوش‌ها و ناخوش‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها را می‌توان در لابلای سطور کتابت شده در

مکتوبات پنهان شده در کنج گنجینه‌های کتب خانه‌ها بدست آورد. و بدیهی است که برای بدست آوردن مرواریدهای گهربار فرهنگ و تمدن، باید در دریای پرتلاطم، و در عین حال جذاب مکتوبات قدیم و به تعبیر امروزی «نسخ خطی»^۲، سالها غواصی نموده، و با اسلوب و روش‌های خاص در این وادی به تحقیق و تفحص پرداخته شود.

به گفته یکی از اندیشمندان: «دریای زخاری از فرهنگ پرمایه ما در نسخه‌های خطی متون فارسی - عربی موج می‌زند، افسوس که بخل گنج ورن، پراکندگی دست‌نوشته‌ها در بلاد، عدم سیستم بازیابی، کمیاب بودن نسخه‌ها، فرسوده بودن نسخه‌ها، عدم دسترسی به نسخه‌ها به سهولت، عدم وحدت در بسیاری از مشخصات نسخه، این گنج بزرگ را از دسترس دور نگهداشته است»^۳.

بدنبال رشد فزاینده اطلاعات و به اصطلاح «انفجار اطلاعات»، دو اصل «سرعت و دقت» در اطلاع‌رسانی و بازیابی اسناد و مدارک اهمیت خاصی پیدا کرده‌اند، و به همین منظور، نظام‌ها و سیستم‌های ذخیره و بازیابی مواد «Storage and Retrieval»، همچون فهرست نویسی (Cataloging)،

کتاب شفا ابن سینا تدوین نموده است نشان از برگزیدن شیوه‌ای اختیاری برای تصحیح متون است.

محمد مندور، دو مقاله در این زمینه در مجله‌ی الثقافة منتشر نموده است و در ضمن آن به نقد کتاب قوانین الدوا این ابن مماتی پرداخته است. عبدالسلام هارون نیز کتابی به نام «تحقیق النصوص و نشرها» به سال ۱۹۵۴ در قاهره منتشر نموده است.^{۵۹}

صلاح‌الدین المنجد نیز، تجربیات خود را در ضمن بررسی و تصحیح «تاریخ دمشق» در سال ۱۹۵۵ تحت عنوان قواعد تحقیق المخطوطات تدوین و منتشر نمود. این کتاب در سال ۱۳۴۶ تحت عنوان «روش تصحیح نسخه‌های خطی» به وسیله‌ی حسین خدیو‌جم به فارسی ترجمه و منتشر شد.

۲-۳-۴- نگارشهای فارسی

تلاش‌های ادوارد برون و سایر مستشرقان در جهت تصحیح نسخ خطی به روش علمی، و انتشار برخی از این آثار تصحیح شده توسط مؤسسه بریل یا اوقاف گیپ در هلند و انتشار این آثار در ایران، ترکیه و شبه قاره هند، تحولی در روش تحقیق و تصحیح متون به وجود آورد. از جمله آثار این تحول، گرایش میرزا محمدخان قزوینی به روش تحقیق علمی بود. علی‌الخصوص بعد از تصحیح و تحشیه لباب الالباب عوفی که با همکاری ادوارد برون انجام پذیرفت. قزوینی این روش را در تصحیح کتب فارسی به ابن بلخی، نزهه القلوب مستوفی، چهار مقاله عروضی و مرزبان نامه به کار گرفت و اندوخته‌های علمی تجربی خود را ضمن مکاتبات و مراسلات به اندیشمندانی چون سیدحسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع الزمان فروزانفر، سیدمحمد مشکوة و سایر دانشمندان و مصححان عصر خود انتقال داد. و عملاً تحولی در شیوه و روش تصحیح متون فارسی ایجاد نمود. این شیوه را دانشمندان فوق‌الذکر در تصحیح متون ادامه دادند، و از همین رو علامه قزوینی را پایه‌گذار سبک و شیوه جدید تصحیح و احیای متون، در زبان فارسی می‌دانند.^{۶۰}

۳-۳-۴- نگارشهای اولیه اسلامی

گذری بر نحوه تصحیح و مقابله صحیفه سجاده، به روایت یحیی بن متوکل بن هارون اواخر قرن اول ه. ق.

گویای وجود شیوه‌ای علمی و محققانه در تصحیح متون اسلامی است. و شایسته است سرآغاز امر تصحیح علمی را، حداقل در متون و آثار اسلامی، دوره تصحیح صحیفه سجاده بشماریم.

متوکل بن هارون بلخی،^{۶۱} یحیی بن زید (نوه امام سجاد علیه‌السلام) را، به هنگامی که عازم خراسان بود، ملاقات نمود، یحیی از متوکل مقصد و مسیر را پرسید و ضمن صحبت، سخن به امام صادق (ع) رسید، متوکل به یحیی گفت که امام صادق (ع) خبر شهادت او را داده است. یحیی از متوکل پرسید: آیا چیزی از علوم پسر عمویم امام صادق (ع) نوشته‌ای؟ متوکل پاسخ مثبت داد و مجموعه‌ای از ادعیه امام سجاد (ع) را به یحیی نشان داد که از طریق امام محمد باقر (ع) به امام صادق (ع) رسیده و خودش از روی خط امام صادق (ع) نوشته است.

یحیی نیز مجموعه‌ای از ادعیه امام سجاد (ع) به متوکل عرضه کرد که از طریق پدرش زید، به او رسیده است. و گفت: «ای متوکل» اگر از قول پسر عمویم خبر شهادت مرا نمی‌دادی، این مجموعه ادعیه را - که بسیار دوست می‌دارم - به تو نمی‌دادم. اما می‌دانم که کلام امام (ع) حق است و من به زودی به شهادت خواهم رسید. و می‌ترسم این علم به بنی‌امیه برسد، که خوش ندارم. پس این نسخه را بگیر، و هرگاه کشته شدم، آن را به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم برسان.

متوکل گفت: صحیفه را گرفتم. و پس از شهادت یحیی، نزد امام صادق (ع) رفتم، و خبر شهادت یحیی را به امام (ع) رساندم و قضیه صحیفه را متذکر شدم، امام (ع) صحیفه را از من گرفتند و فرمودند به خدا قسم این خط عمویم زید و ادعیه جدم امام سجاد (ع) است. سپس امام به فرزندش اسماعیل فرمودند: برخیز و ادعیه‌ایی را که به تو سپرده بودم نگهداری کنی بیاور، اسماعیل صحیفه‌ای را آورد. امام بوسیده بر دیده نهاد و فرمودند. این خط پدرم است که جدم در حضور من به پدرم املا نمود.

متوکل از امام (ع) اجازه خواست و دو نسخه صحیفه را با یکدیگر مقابله نمود و به بیان خود متوکل: «فَنَظَرْتُ وَ اِذَا هُمَا أَمْرٌ وَاحِدٌ، وَ لَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْأُخْرَى» نگرینم و دیدم هر دو، یک مجموعه است و حتی یک حرف از آن با حرف نسخه دیگر مخالف نیست.^{۶۲}



نمایه‌سازی (Indexing) و چکیده (Abstract) مطرح شده است.

اگر این دو پیش فرض را بپذیریم:

۱- بسیاری از اختراعات و اکتشافات و علوم و فنون جدید، بر افکار و آراء پیشینیان مبتنی است، آراء و نظریاتی که در لابلای سطور کتب کتب‌خانه‌هاست، یعنی «نسخ خطی حاوی مجموعه‌ای از اطلاعات پایه و اصولی است».

۲- فلسفه اصلی دانش کتابداری و اطلاع‌رسانی، بازیابی سریع و دقیق اطلاعات است.

آنگاه باید با تدابیر خاص به بازیابی و بهره‌وری از اطلاعات نسخ خطی پردازیم، و راه‌های سهل و آسان را برای دستیابی به اطلاعات مدفون شده جستجو نماییم.

یکی از راه‌های دستیابی به اطلاعات نسخ خطی و انطباق آن به زبان نوشتاری و گفتاری^۴ امروز، تصحیح و تحقیق می‌باشد که از جمله روشهای معمول در احیای متون است.

۱- آشنایی با اصطلاحات:

تعاریف منطقی اصطلاحات، حدود جامعیت و مانعیت را از نظر صدق مفاهیم بر مصادیق معین می‌سازد. و همچنین نقش و جایگاه مفاهیم را در رشته‌های مختلف دانش، مشخص می‌کند.

شناخت و آگاهی از تعاریف اصطلاحات، علاوه بر نشان دادن برخی محدودیت‌های تحقیق، در رسانیدن پیام تحقیق نیز مؤثر است. به همین منظور، به توضیح پاره‌ای اصطلاحات مربوط به تصحیح و تحقیق نسخ خطی می‌پردازیم:

۱-۱- نسخه:

۱-۱-۱ اصل این لغت به فتح خاء می‌باشد، و در زبان متداول مردم به نسخه با کسر خاء رایج شده است. نسخه در معنی عبارت است از: «نوشته‌ای که از روی کتاب و یا نوشته‌ای دیگر تحریر شود. رونوشت، واحدی برای شمارش کتاب‌ها و رساله‌ها. و از این قبیل است نسخه چاپی، نسخه خطی، نسخه عکسی»^۵.

در فرهنگ لاروس نیز با فتح خاء و به معنی «نوشته شده، رونویسی از کتاب دیگری و رونوشت»، ضبط شده است.^۶

دهخدا در لغت‌نامه خود، نسخه را با فتح و کسر خاء، و همچنین «ت» و «ة» تأیید آورده است. نُسخَت را به معنای

«نوشته، یادداشت، مسوده، پیش‌نویس، سیاهه، و نُسخَت کردن را به معنای یادداشت کردن» ذکر کرده است. و نسخه را به معنای کتابی که از آن نقل کنند و از روی آن نویسند، ذکر کرده است.^۷

۱-۱-۲ نسخه در اصطلاح کتابداری عبارت است از «نمونه‌ای از یک اثر چاپی، و نسخه خطی عبارت است از «دست نوشته‌ای که مربوط به قبل از اختراع چاپ، و یا مربوط به همان زمان اختراع چاپ باشد و متمایز از سندها، نامه‌ها و یا پژوهش نامه‌هایی است که با دست نوشته شود»^۸ و به همین تعبیر نسخه‌شناس کسی است که بتواند در مورد کتب خطی؛ نوع خط و جنس کاغذ را بگوید و تاریخ کتابت و سایر جنبه‌های مادی آن را توضیح دهد. نسخه‌شناس باید جلدشناس، کاغذشناس، خط‌شناس، مرکب‌شناس بوده و خوشنویسان و نقاشان و ادوار مربوط به خط و خطاطی را بشناسد»^۹.

۱-۱-۳ نسخه، در مصطلح کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی، به دستنویسی از کتاب اطلاق می‌شود که توسط مؤلف و نویسنده نوشته شده (مسوده، نسخه اصل)، یا به اهتمام کاتب و نسخه‌نویسی کتابت گردیده باشد (رونویس، رونوشت)، بار معنایی مذکور برای این کلمه در زبان فارسی با توجه به این بیت فردوسی:

بیاورد پس دفتر خواسته + همان نسخه گنج آراسته - کهن می‌نماید.^{۱۰}

در قرون هفتم و هشتم نیز از کلمه نسخه، دستنویس و رونویس یک کتاب اراده می‌شده است. چنان که رشیدالدین وزیر می‌نویسد: «... چون مخدوم مصنف این کتب مذکوره را تصنیف فرمود و اشارت راند تا نسخه‌های بسیار از آن بنویسند، جماعتی نساخان در بعضی مواضع سهوا کرده‌اند و در بعضی تصحیفات نوشته و چون بیشتر آن کتابها در غیبت نسخ کرده بودند و نسخه‌ها بسیار بود ...»^{۱۱}

۱-۱-۴ نسخه کامل، در عرف نسخه‌شناسی، دستنویس جامع و کامل یک اثر را گویند. پیشینیان این گونه نسخه‌ها را به نسخه جامع نیز تعبیر می‌کرده‌اند. ظهیر فاریابی گوید:

وگر زمانه بسوزد جریده اعمار

بود صحیفه ذات تو نسخه کامل

و جامی نیز در تسمیت سلسله الذهب گوید:



چون شد این نام آن خجسته اثر

می دهد ذلک الکتاب خبر

که مسمای اوست فی الواقع

مظهر کل و نسخه جامع^{۱۲}

۱-۱-۵ نسخه مسجمل، در عرف نسخه شناسی، به نسخه هایی اطلاق می شده است که کاتبان عموماً کاتبانی که در شبکه نسخه نویسی در مراکز آموزشی برای خودشان استنساخ می کرده اند - هیأت فشرده و خلاصه ای از یک اثر را می نویسانیده و نسخه بر می داشته اند. جامی گوید:

نسخه مجمل است و مضمونش

ذات حق و صفات بی چونش^{۱۳}

۱-۱-۶ نسخه اصل: نسخه ای است که مبنای کار محقق در امر تصحیح و تحقیق قرار می گیرد. این نسخه در صورت یافت شدن، نسخه خط مؤلف است. و در درجات بعدی به ترتیب اولویت، نسخه قرائت شده بر مؤلف، نسخه مقابله شده با نسخه خط مؤلف، نسخه خط شاگرد مؤلف، نسخه با قدمت تاریخی نزدیک به زمان مؤلف، خواهد بود.^{۱۴}

۱-۱-۷ نسخه بدل: نسخه اصل، گاهی به دلایل مختلف از جمله: ناخوانا بودن برخی کلمات، سقط و افتادگی برخی کلمات و جملات به علت فرسودگی کاغذ و ... به تنهایی برای تصحیح نسخه کافی نیست لذا یک یا چند نسخه دیگر به عنوان نسخه بدل انتخاب و ضمن مقابله با نسخه اصل، اختلافات در حاشیه نسخه اصل قید می شود.

بدیهی است انتخاب نسخه های بدل از میان نسخه های بدست آمده یک اثر، باید با دقت و براساس ضوابط علمی و منطقی انجام گیرد.

اختلافات مشخص شده پس از تصحیح، در حاشیه نسخه اصل با مشخصه «خ ل»، «خ» و یا «ل» تذکر داده می شود. معمولاً اختلافات مفید را در پانویس نسخه مصحح با ذکر نسخه مورد نظر ذکر می کنند.^{۱۵}

۱-۱-۸ استنساخ، در مصطلح کتاب سازی نقل کردن و نویسانیدن نسخه ای را گویند از روی نسخه ای دیگر.

استنساخ یا نسخه نویسی در قلمرو فرهنگ و تمدن اسلامی در شبکه های منظم و فعال صورت می پذیرفته که برخی از شبکه های مزبور رسمی و دیوانی بوده است که کاتبان و خوشنویسان خصوصاً به نسخه نویسی نگارشهای

فرهنگی، به خصوص مؤلفاتی که به نحوی به دیوان و دیوانیان ارتباطی داشته، اهتمام داشته اند. در دیگر شبکه های فرهنگی و علمی، که در مراکز آموزشی، در مسجدها، در نظامیه ها، در خانقاهها و دیگر مواضع وجود داشته، که فضلا، طالبان علم و سالکان طریقت با آدابی مشخص و معین به نسخه نویسی کتابهای مورد نظرشان می پرداخته اند. شبکه های وراقان و کتاب فروشان هم سهم عمده و کلانی در زمینه استنساخ کتاب داشته اند.^{۱۶}

سوی مراکز و شبکه های خاص نسخه نویسی، علل دیگری چون انگیزه های دینی، اعتقادی، سیاسی و اقتصادی نیز در استنساخ نگاشته های فارسی و عربی در تمدن اسلامی مؤثر بوده است.

انگیزه دینی در استنساخ، اهل فضل را بر آن داشته است تا آثار و نگاشته های مذهبی را از روی تبرک و به نیت اجر و پاداش نسخه نویسی کنند. چنانکه ابن الخازن کاتب - متوفای ۵۰۲ هـ. ق - بنا به گفته ابن فلکان پانصد نسخه جامع و یا پاره ای از قرآن را استنساخ کرده و نجم الدین محمود - متوفای ۷۵۰ هـ. ق - حدود هزار نسخه جامع یا غیرجامع از قرآن کتابت کرده که به قول جنید شیرازی از روی تبرک بوده است.^{۱۷}

۱-۱-۹ نسخه برداشتن، استنساخ کردن، رونویسی از کتابی فراهم کردن. صائب گوید:

نتوان نسخه از آن چشم ز شوخی برداشت

و ر نه مجنون به نظر چشم غزالی دارد^{۱۸}

۱-۱-۱۰ کتابت، نوشتن، تحریر کردن. کتابت در میان کاتبان آدابی خاص داشته است به طوری که کاتب پس از بدست آوردن شرایط، ابزار و اسباب کتابت، می بایست به زمان و مکان کتابت نیز مقید می بوده باشد، به طوری که بدون طهارت کتابت نمی کرده و در سرما و گرمای شدید به کتابت نمی پرداخته و به هنگام گرسنگی و تشنگی دست به تحریر نمی برده است و حتی به طوابع سعد و نحس بروج هم در کتابت توجه می کرده است. نیز در مکان تاریک و تنگ نمی نوشته و در گذر باد کتابت نمی کرده است و «در حضور بزرگتر از خود کتابت نمی کرده که متضمن اهانت باشد و بر مقامی نمی نشسته که اگر بزرگتر از او کسی بیاید او را مقام بدو



باید داد که آن را به اصطلاح کتاب مکان قلعه گویند و تصور آمدن آن شخص دایماً ذهن کاتب را مشغول و پریشان دارد که قلعه منزلی را گویند که وطن را نشاید و مجلس قلعه آن باشد که صاحبش هر دم از آنجا برخیزد و به جای دیگر نشیند و گویند: هم علی قلعه ای علی رحله یعنی بر سر کوچ اند. و قلعه کسی را گویند که از زین منقلع شود و در هیچ حال ثابت نتواند بود و کاتب را این مقام نشاید.^{۱۹}

۲-۱- نص:

نص از جمله واژه‌هایی است که در مبحث تحقیق و تصحیح متون کاربرد فراوان دارد. این واژه در اصل، مصدر و به معنی رفع - بالایی - و اسناد به مرجع بالا است. دوزی مستشرق هلندی در تکمله معجمات العربیة - بالعربیة و الفرنسیة - بیان می‌کند که نص حدیث صحیحی است که صحابه آن را فرا گرفته‌اند و روایت کرده‌اند، و به معنای عام، سخن قابل اعتماد است. و در معنای دیگر نصوص: اقوال مؤلف است که به وسیله آن اصل، از شروع و تفسیر و توضیح و تلخیص تمییز داده می‌شود.^{۲۰} واژه نص معادل واژه فرانسوی Texte و واژه انگلیسی Text بکار رفته است، و هر دو اشاره دارند به «فقرات و جملات اصلی نوشته شده مؤلف، و یا اصل یک کتاب آن چنان که بوده است».^{۲۱}

۳-۱- تحقیق:

۱-۳-۱ تحقیق در لغت به معنی اثبات و تصحیح بکار رفته است. ابن منظور می‌نویسد: «... حقه‌ای صدقه و حق الرجل اذا قال: هذا الشيء هو الحق، و يقال: احققت الامر احقاقاً اذا احكمته و صدقه».^{۲۲}

۲-۳-۱ تحقیق در اصطلاح عبارت است از: «بذل عنایت خاص به مخطوطات تا جایی که به نزدیکترین صورت مکتوب مؤلف، تبدیل شود و طبقاً این مهم، امر سهل و ساده‌ای نخواهد بود».^{۲۳} جاحظ در کتاب الحيوان اهمیت تحقیق و مقایسه آن با تألیف را چنین بیان می‌کند:

«و ربما اراد مؤلف الكتاب ان يصح تصحيحاً او كلمة

ساقطة، فيكون انشاء عشر ورقات من حر اللفظ و شريف المعاني يسر عليه من اتمام ذلك النقص حتى يرد الى موضعه من اتصال الكلام».

چه بسا یک مؤلف کتاب وقتی بخواهد تصحیف یا کلمه افتاده‌ای را اصلاح نماید، نگارش ده برگ کتاب به صورت آزاد و معانی بلند برای او آسانتر است از به اتمام رسانیدن آن کاستی و نقص بدان گونه که آن اصلاح را در جای خودش قرار دهد و پیوند سخن گسسته نگیرد.^{۲۴}

تطبیق و انطباق نسخه با آنچه مؤلف وضع نموده است از حیث خط و عبارت و معنا و غیر آن، از طریق علمی، تحقیق را ایجاب می‌کند و از همین روست که بحث از اصول و فنون تحقیق نصوص به میان آمده است.^{۲۵} صلاح الدین المنجد، غایت و هدف نهایی را، ارائه نسخه صحیح منطبق با آنچه مؤلف وضع نموده، برشمرده است به دور از هر گونه شرح و توضیح.^{۲۶}

۴-۱- مقابله:

به دلیل اهتمام و دقت محققین برای یافتن نصوص و اصل متن مؤلف، مسئله مقابله و معارضه نسخ و قرائت نسخ بر عالمان و دانشمندان مطرح شد، و چه بسا عرضه کردن قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در طی هر سال توسط جبرئیل و دوبار در سال آخر حیات پیامبر (ص) بدلیل اهتمام و دقت در امر رساندن نص وحی بوده است.^{۲۷}

سیوطی در «الاتقان» و کرمانی در «البرهان فی متشابه القرآن» نیز آغاز کاربرد فن مقابله را از عصر پیامبر (ص) برشمرده‌اند و تأکید نموده‌اند که سوره‌های قرآن در طول سال توسط جبرئیل بر پیامبر (ص) وحی می‌شد و در طول زندگانی پربرتکش هر ساله، یک بار آن را مقابله می‌فرمود، و همچنین آن حضرت نیز در واپسین سال زندگیش، دو مرتبه قرآن را بر جبرئیل مقابله فرمود.^{۲۸}

مقابله به منظور بدست آوردن نسخه درست و صحیح به دور از تصحیفات و تحریفات، صورت می‌پذیرد. چنان که در ترجمه منیة المرید شهید ثانی آمده است: «مقابله کتاب و هر نوع نوشته‌ای - که منظور از آن استفاده و بهره‌برداری علمی به هر نحوی است - باید به گونه‌ای باشد که این مقابله موجب صحت و درستی در نوشته گردد».^{۲۹}



۲- ضرورت و اهمیت احیای متون

نسخه‌های خطی از جهات مختلف، دارای اهمیت و در خور توجه می‌باشند، از این میان، به دو جنبه آن اشاره می‌شود.

۱-۲ میراث فرهنگی ۲-۲ محتوای نسخ

۱-۲ میراث فرهنگی:

همچنانکه پیشتر بیان شد؛ نسخ خطی مهمترین و بارزترین دلیل و مدرک، برای جلوه‌دادن هویت واقعی ملل مختلف است. چراکه در هر دوره معمولاً بزرگان، علماء و دانشمندان قوم دستی بر کتابت داشتند و به دلیل مشکلات در کتابت و کمبود ابزار کتابت، سعی بر این بوده تا بهترین تجربه‌ها و اندوخته‌ها، تحریر گردد، به همین دلیل نسخ خطی پیشین از بارزترین جلوه‌های فرهنگ و تمدن اقوام به شمار می‌رود، به گفته کارتیه: «تاریخ ادبی، علمی، اجتماعی یا سیاسی هر ملتی، تنها زمانی می‌تواند به شیوه‌ای کاملاً عینی به نگارش در آید که مبتنی بر مآخذ اصلی باشد، و طبیعتاً مآخذ اصلی را باید در انبوه نسخ خطی پیدا نمود که به عنوان ماده حیاتی تاریخ یک ملت یا یک قوم می‌باشد که برای فرهنگ آن جامعه ارزشمند خواهد بود، اگر چه برای دیگران فاقد همان ارزش باشد.»^{۳۰} این مضمون را آقای عبدالحسین زرین‌کوب چنین بیان می‌کند: «هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی یا لغوی که در باب آثار شاعران و نویسندگان پیشین بشود تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد، سندیت و اعتبار ندارد.»^{۳۱}

با توجه به این اهمیت، مسئله حفاظت و نگهداری نسخه‌ها به صورت جدی مطرح شده و به دنبال آن، روش‌ها و تجهیزات خاصی جهت حفاظت فیزیکی نسخ خطی بوجود آمد.

۲-۲ محتوای نسخ:

علوم امروزی بر تئوری‌ها و آراء و نظریات پیشینیان مبتنی است و حتی بسیاری از تصورات خیالی اسلاف که در لابلای داستانها مطرح شده است، گاه پایه و پله‌ای برای شروع یک ایده علمی امروزی بوده است. پس باید علاوه بر حفاظت فیزیکی، به احیاء محتوای نسخ نیز اهتمام ورزید.

به علاوه با توجه به خاصیت اسیدی‌بودن برخی از جوهرهای نوشتاری، عمر کاغذ محدود بوده و به مرور از بین خواهد رفت و اگر محتوا احیاء نشود، به همراه فرسوده شدن کاغذ، محتوی نیز از بین خواهد رفت.

برخی چنین تصور می‌کنند که «احیای متون نبش قبر است و ارزش سرمایه‌گذاری ندارد.» اما اگر منصفانه برخورد نماییم، در می‌یابیم که احیای متون در حقیقت گنج‌یابی و احیاء فرهنگ است. البته اگر هر متنی به صرف نسخه خطی بودن تصحیح و چاپ شود، گاهی مصداق نبش قبر را پیدا می‌کند. ولی اگر مصحح با توجه به شرایط نسخه شناسی، نسخه را از جهت محتوا، موضوع، قدمت، اعتبار علمی مؤلف و کاتب، و سایر جنبه‌ها بررسی علمی نماید و آنگاه نسخه را برای تصحیح برگزیند، در آن صورت مصداق گنج‌یابی خواهد بود. و دیگر شگفتی ندارد که بشنوم «برای تصحیح آثار شکسپیر بیش از یکصد سال صرف وقت شده است، چرا که ادبیات امروز انگلیس مدیون آثار آن ادیب است و از این گنج، بهره‌ها برده شده است.»^{۳۲}

برای یافتن گنج، باید رنج برد و نمی‌توان بدون دلیل علمی و شاهد قابل قبول، هر نقطه‌ای از زمین را برای دستیابی به گنج، حفاری کرد. همین سان دست یافتن به نسخ ارزشمند، نیازمند بینش علمی خاصی است.

از این رو مصحح قبل از هر چیز باید نسخه‌شناس باشد و در کنار آن آشنایی به زبان و موضوع متن داشته باشد. شناخت از شیوه و سبک نگارش عصر مؤلف، و یا شیوه‌های نگارش عصر کاتب، شناخت خطوط و کتابت، شناخت کاغذ، و حفظ امانت داری را از مهمترین خصیصه‌های مصحح شمرده‌اند.^{۳۳}

۳- مراتب و درجات تصحیح متون

برای تصحیح و احیای متون، بر حسب خصوصیات نسخه‌ها و برخی جنبه‌های دیگر مراتبی است که به صورت کلی در چهار مرحله زیر توصیف و تعریف می‌شوند:

۱-۳ تکثیر عین نسخه

چاپ از روی عین نسخه خطی، که اصطلاحاً به نسخه عکسی یا چاپ لوحی شهرت دارد، ابتدایی‌ترین مرحله احیاء و تصحیح متون است. البته این بدان معنا نیست که اعتبار



علمی آن کم باشد، بلکه به جهت این است که از مراحل اولیه احیاء متون به شمار می‌رود.

بسیاری از نسخه‌های خطی بنا به دلایلی ضرورت دارد عیناً چاپ و تکثیر شوند، از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱-۳- نشان دادن نسخه اصل مؤلف و یا نسخه کهن
۲-۱-۳- نشان دادن تصحیفات و تحریقاتی که در طول زمان نسبت به اصل صورت گرفته است.

۳-۱-۳- نشان دادن حواشی مفید بر نسخه.

۴-۱-۳- خصوصیات املائی و رسم الخط نسخه

۵-۱-۳- ویژگیهای هنری نسخه، خطوط، تذهیب و آرایش‌های موجود در نسخه.

۶-۱-۳- مقایسه بین خطوط متن و حواشی.

۲-۳- سواد برداری از نسخه و مقابله اجمالی

در این مرحله، رونویسی از نسخه انجام می‌شود که خود نیازمند شناخت و آگاهی‌های خاصی است از آن جمله: شناخت خط، شیوه نگارش، درحیات مؤلف و کاتب، آشنایی به سبک و سیاق قلم مؤلف و کاتب و ...

بدترین آفت برای رونویسی، بدخوانی است که از فقدان آگاهی‌های فوق بدست می‌آید. معمولاً در مقابله دو روش معمول است:

۱- روش غیرالتقاطی: آنکه از میان چند نسخه یکی که به نظر درست تر می‌آید، متن قرار داده می‌شود و اختلافات آن با نسخه‌های دیگر در پاورقی یاد می‌شود.

۲- روش التقاطی: آنکه از میان چند نسخه هر جا که اختلاف مشاهده شود، آن را که حدس زده می‌شود، درست است در متن و نادرست در پاورقی قرار می‌گیرد. البته بیشتر اوقات برای انتخاب ارجحیت مطرح می‌شود.^{۳۴} از مقابله اجمالی چند نسخه، برخی الحاقات و اسقاط‌ها بدست می‌آید که در تصحیح متن، حائز اهمیت است.

۳-۳- سنجش انتقادی نسخه‌ها:

در این مرحله، نسخه‌های متن مورد نظر از جهات مختلف بررسی و ارزیابی می‌شوند تا از میان آنها نسخه اصل یا نسخه مادر، گزینش شود و محور اصلی تصحیح قرار گیرد، در این

مرحله نسخه‌ها از سه جنبه کلی شناسایی و ارزیابی می‌شوند:

۱-۳-۳- شناخت توصیفی: در این مرحله از شناخت، تمام نسخه‌ها، عکس‌ها و یا فیلم‌هایی که از یک متن گردآوری شده است، از حیث صور ظاهری نسخه‌شناسی، بررسی می‌گردد. مصحح به بررسی اشارات موجود در ظاهر نسخه‌ها و عبارات ترقیمه‌ها، مهر تملک، مهر واگذاری، نوع خط، تعداد سطور و ابیات و اوراق، آرایش‌ها و تزیین‌ها و تذهیب‌ها می‌پردازد، البته باید دقت کرد که اطلاعات موجود در ظهیرها و ترقیمه‌ها، اسباب سبتهای نادرست در کتابشناسی را فراهم نیاورد.^{۳۵}

۲-۳-۳- شناخت تاریخی: در این مرحله، مصحح به بررسی تاریخ کتابت، قدمت نسخه‌ها، نوع خط، نوع کاغذ، اسلوب نگارش، تاریخ مهرهای تملک، واگذاری، یادداشت‌ها و سایر موارد می‌پردازد.

شناخت تاریخی برای پیدا کردن نسخه اصل بسیار مهم و حائز اهمیت است، زیرا بنابر «الاقدم هو الاصح»، معمولاً قدیمی‌ترین نسخه، کمتر دچار تصحیف و تحریف^{۳۶} شده و ملاک مهمی برای تصحیح متن بشمار می‌رود. ولی باید توجه داشت که در تصحیح انتقادی و علمی صرف قدمت نسخه نمی‌تواند ملاک اصلی بودن قرار گیرد. در مواردی نیز نسخه قدیم واجد شرایط نسخه اصح نمی‌باشد، از جمله:

۱-۲-۳-۳- نسخه قدیمتر ناقص و نسخه متأخر کامل باشد، همانگونه که در تصحیح کتاب «اللمع فی التصوف» ابونصر عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی السراج الطوسی الصوفی - متوفی ۳۷۸ ق - دیده می‌شود. این کتاب به وسیله نیکلسون از روی دو نسخه خطی تصحیح شده است. یکی مربوط به ۵۴۸ ق و دیگری ۶۸۳ ق. نسخه قدیمتر به دلیل نقص و افتادگی به میزان یک سوم کتاب را دارد، ناچار مصحح نسخه متأخر را اصل قرار داده است.

۲-۲-۳-۳- نسخه قدیمتر ناواضح و نسخه متأخر واضح باشد. که در این صورت نمی‌توان نسخه قدیمتر را اصل قرار داد زیرا کلمات به وضوح خوانده نمی‌شود.

۳-۲-۳-۳- نسخه قدیمی «مُسَوَّده» و نسخه متأخر «مَبْیَضَه»^{۳۷} باشد و چون نسخه مبْیَضَه صورت نهایی و کمال یک اثر است، اصل قرار می‌گیرد.

۴-۲-۳-۳- کاتب نسخه قدیمتر بی‌بهره و یا کم بهره از علم



باشد و کاتب نسخه متأخر از علما باشد.^{۳۸}

به عنوان نمونه نسخه‌ای از نسخ گلستان سعدی متوفای ۶۹۶ ق؟ را که مشتمل بر دیباچه گلستان است ذکر می‌کنیم، این نسخه در حدود چهار سال پس از فوت مؤلف - یعنی به سال ۷۰۰ ق - به دست کاتبی به نام حاجی کامویی کتابت شده است.

نسخه مذکور، کهن‌ترین نسخه موجود از دیباچه گلستان سعدی است و به خط نسخ کهن، و مملو از اغلاط و اسقاطات و اشتباهات کاتب است که به قیاس با نسخه‌های موجود گلستان، خاصه به غرض تصحیح، نااستوار می‌نماید، هر چند که از نظر نسخه‌شناسی تاریخی، نسخه‌ای است کهن و دارای قدمت نزدیک به روزگار مؤلف.

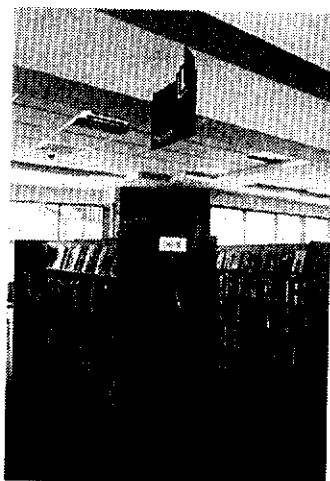
و یا در تصحیح ترجمه عوارف المعارف، مصحح با توجه به نسخه‌شناسی تاریخی به تصحیح کتاب پرداخته، آن هم با اتکای به وجود تاریخ کتابت در ترقیمه^{۳۹} کاتب، در حالی که نسخه دیگر ترجمه عوارف المعارف - یعنی نسخه کتابخانه مراد محمد - با آن که تاریخ کتابت آن بر اثر افتادگی اوراق پایانی مشخص نیست ولی اسلوب رسم الخط، صحت و اعتبار آن نشان می‌دهد که از نسخه مورخ ۷۳۳ ق محفوظ در کتابخانه برلین نه تنها از نظر تاریخ کتابت کهن‌تر است، بلکه فوایدی که مترجم در این ترجمه گنجانیده، چونان مشخص کردن نام شاعرانی که ابیانی از آنان آورده، و نیز صحت تعبیرات عرفانی و غیره در آن به وضوح مشهود است، و اگر مصحح بر قدمت نسخه‌ها براساس وجود تاریخ کتابت تکیه نمی‌کرد، بدون تردید فواید بیشمار این ترجمه کهن ضایع نمی‌شد.^{۴۰}

۳-۳-۳- شناخت تطبیقی: این نوع شناخت، در یافتن نسخه اصل برای تصحیح انتقادی و علمی بسیار مهم، و کاری است دشوار، زیرا مصحح باید براساس اصول و موازین نسخه‌شناسی و شناخت تاریخ نسخه‌نویسی و اسلوب نگارش مؤلف و کاتب و حتی روح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر روزگار مؤلف و کاتب، از میان نسخه‌های بدست آمده، نسخه یا نسخه‌هایی را به عنوان ملاک اصلی گزینش نماید. در این مرحله ویژگیهای مشترک و مفترق نسخه‌های یک اثر با یکدیگر مطابقت داده می‌شود و ثبت و ضبط می‌شود و براساس موارد یاد شده نسخه اصل یا نسخه‌های

نزدیک به اصل تعیین می‌شوند.^{۴۱}

۳-۴- تصحیح انتقادی محتوی:

در این مرحله از تصحیح، به بررسی آراء و نظریات مؤلف، شرایط و مقتضیات زمان مؤلف که احیاناً بر نوشته یا نوشته‌های او تأثیر گذارده، تعصبات و اعتقادات مؤلف، سبک



قلم مؤلف و هر آنچه که به نحوی در نوشته و افکار مؤلف تأثیر می‌گذارد، پرداخته می‌شود. و در حقیقت عوامل و منابع و نسخه‌ها نقد و بررسی می‌شوند و چه بسا برخی عبارات و جملات را تصحیف و تحریف، برشمارند و یا زاییده افکار کاتب و تصرفات او بدانند، چه تصرفات کاتبان در نسخ کم نبوده و معمولاً با اصل متن، آمیخته شده است و یکی از راههای تفکیک اصل متن از زواید و اضافات، بررسی آراء و نظرات مؤلف و کاتب است.

بینش و نگرش مصحح از مؤلف و حالات او در تصحیح اثر می‌گذارد، به عنوان مثال: در تصحیح رباعیات خیام، صادق هدایت (مصحح) مؤلف را دهری و بنیادگرا در عقاید و طنزگویی بی‌پروا در بیان اندیشه‌های فلسفی می‌شناساند. و در تصحیح دیگر، محمدعلی فروغی همان خیام را حکیمی متفکر و بزرگ معرفی می‌کند که اهل طنز و بذله نمی‌باشد. و یا اظهار نظر شفيعی کدکنی درباره رد برخی غزلیات منتسب به مولوی، به دلیل تضاد مضامین این غزلیات با افکار و جهان‌بینی مولوی از دیدگاه مصحح.^{۴۲}



۴- تاریخچه تصحیح

تاریخچه تصحیح، با توجه به مصادیق و معانی تصحیح قابل بررسی است:

۴-۱- به معنای ویرایش؛ اگر تصحیح به معنای اولیه و عام آن مدنظر باشد - یعنی اصلاح و ویرایش را تصحیح بدانیم - طبیعی است که سابقه و تاریخچه آن به زمانهای کهن می‌رسد. زیرا از زمانی که خواندن و کتابت مطرح شده است، برخی از کلمات و واژه‌ها توسط خود نویسنده و یا کاتب در حاشیه متن و یا در ذیل همان واژه اصلاح و ویرایش می‌شده است. هر چند این اصلاح و ویرایش، املائی و ابتدایی بوده است ولی به هر حال در جای خود نوعی تصحیح بوده که بر روی متن مکتوب اعمال شده است.

۴-۲- به معنای مقابله؛ اگر تصحیح را در معنای محدودتر آن بررسی نماییم، یعنی مواردی را تصحیح برشماریم که در آن علاوه بر ویرایش صوری مقابله نیز انجام می‌پذیرفته است، باید از تحقیقات دانشمندان مکتب اسکندریه به عنوان قدیمترین موارد تصحیح نام ببریم:

۴-۲-۱- آریستارکس متوفی ۲۰۰ ق.م به دلیل دقت و وسواسی که در نقد ادبی نسخ ایلید و ادیسه به خرج داد، به افراط در دقت متهم شد، و نام او در تاریخ ادبیات یونان قدیم، مرادف و مساوی مفهوم دقت و وسواس در نقد ادبی مطرح شد. زندگوت نیز در تصحیح متون و دیوان‌های شعراء همت بلندی داشت و در حالی که ریاست کتابخانه معروف اسکندریه را برای مدتی برعهده داشت، به تصحیح آثار Pindare - پیندار، Anacreon - آناکرئون و ایلید و ادیسه از طریق مقابله با نسخ قدیم پرداخت.

۴-۲-۲- آریستوفانس نیز مدتی کتابدار کتابخانه اسکندریه بود، و در نقد و تصحیح آثار افلاطون و ارسطو و همچنین تصحیح ایلید و ادیسه همت گماشت.^{۴۳}

۴-۲-۳- در قرن نهم هجری، به روزگار بایسنفر در هرات، شیراز و دیگر مراکز سیاسی آن عهد بسیاری از فضلا و کاتبان، دارای ذوق نقد و تصحیح متون بوده‌اند و در همین دوره شاهنامه فردوسی مقابله و تصحیح شد و به عنوان شاهنامه بایسنفری شهرت پیدا کرد.

۴-۲-۴- عبدالله مروارید متوفی ۹۲۲ ه. ق که از ادیبان و

کاتبان خوشنویس عصر خود به شمار می‌رفت، به همراه جمعی دیگر از اهل فضل، به امر فریدون حسین میرزا فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا (۹۱۵ ه. ق)، دیوان حافظ را به روش نه چندان تصحیح علمی و در حقیقت براساس ذوق خود تصحیح نمودند. و در تاریخ ۹۰۷ ه. ق به همراه تنی چند از فضلا حدود پانصد نسخه از دیوان حافظ گردآوری نموده و عمل مقابله و تصحیح را انجام دادند.^{۴۴}

۴-۲-۵- شارحان نیز به هنگام نگارش تعلیقه‌ها و شروح، از مقابله و بررسی نسخه‌ها، غافل نبودند و به همین جهت در بسیاری از شروح، شارح به اختلاف نسخ، اختلاف ضبط کلمات و اسقاطات و الحاقات، اشاره نموده است. مثلاً شرح ولی محمد اکبر آبادی به نام «مخزن الاسرار» بر مثنوی که موقعیت خاصی در بین شروح مثنوی دارد. و شارح بسیاری از نسخ را مقابله نموده است.^{۴۵}

۴-۲-۶- مذاکره و محاجه‌ای که فیما بین صاحب فرهنگ جهانگیری^{۴۶} و رشید حسینی تقوی در باب تصحیح لغات و نحوه آن بوده، بیانگر ذوق نقد و تصحیح در میان لغویان است.^{۴۷}

۴-۲-۷- میرزا عبدالله افندی، متوفی ۱۱۳۰ ق در کتاب «ریاض العلماء و حیاض الفضل» از نسخه‌هایی نام برده است که در عصر او یا پیش از او، در دوره صفویان تصحیح و تنقیح شده‌اند.^{۴۸}

۴-۲-۸- عبداللطیف عباسی متوفی ۱۰۴۸ یا ۱۰۴۹ ق. حدیقه الحقیقه سنایی غزنوی را براساس چندین نسخه خطی تصحیح و تدوین کرد و مثنوی مذکور را در شصت هزار بیت فراهم آورد و نسخه‌ای از مثنوی معنوی را براساس بیش از هشتاد نسخه خطی فراهم کرده بود.^{۴۹}

توجه و عنایت گسترده پیشینیان به تصحیح متون، جلوه‌ای است از بیان اهمیت و ضرورت تصحیح و احیای متون در نزد آنان، هر چند این تصحیحات به شیوه‌های علمی امروزی نبوده است. «مثنوی مصحح عباسی - دفترهای اول و دوم، قریب ۸۰۰ بیت اضافه بر اشعار حاضر - مثنوی مصحح نیکلسون - دارد یعنی تقریباً به ازای هر ده بیت، یک بیت اضافه الحاق شده است»^{۵۰} و اگر مثنوی مصحح نیکلسون را علمی بدانیم، نشان از غیر علمی بودن برخی تصحیحات در ادوار پیشین است.



چشم می‌خورد، شاهد این مدعی است.

۳-۴- به معنای تصحیح انتقادی و علمی:

اسلوب نقد و تصحیح متون که در سده نوزدهم به همت کارل لاخمان، که در تصحیح دقیقی از عهد جدید به سال ۱۸۴۳ م و آثار لوکسیوس به سال ۱۸۵۰، عرضه شده تحولی شگرف در نقد و تصحیح نگارشهای عربی و فارسی به وجود آورد. به نحوی که نسخه‌شناسی و تصحیح نسخ خطی بر مینا و موازین علمی استوار شد.

در اوایل، بیشتر توجه مستشرقین به نسخ خطی عربی معطوف بود، ولیکن پس از مدت زمانی کوتاه، نسخه‌شناسانی چون اته، استوری و فلوگل، و مصححانی چون لسترنج، ادوارد برون، فریتز مایر، هلموت ریتر، فلکس تاور، پاول هرن، پتر وشفسکی و چند نفر دیگر به نقد و تصحیح نسخ خطی فارسی اهتمام ورزیدند.^{۵۵}

۱-۳-۴- نگارشهای عربی

مستشرقین از حدود ۱۵۰ سال پیش به روش علمی به بررسی و نشر میراث عربی پرداختند. و اعراب یکصدسال پس از آنها، با توجه به اسلوب تصحیح آنها به تصحیح تراث عربی همت گماشتند. شیوه خاورشناسان برای انتشار متون عربی به سان شیوه‌ای بود که برای انتشار متون کلاسیک لاتینی و یونانی در اروپا بکار برده می‌شد.^{۵۶}

گروه خاورشناسان آلمان DMG، برای انتشار متون عربی در سلسله انتشارات اسلامی Bibliotheca-Islamica زیر نظر خاورشناس مشهور ه. ریتر و گروه «گیوم بودیه»^{۵۷} Association Guillaume Bude در فرانسه، از همین شیوه پیروی کرده‌اند.^{۵۸}

اولین مؤسسه علمی که برای بررسی متون قدیم، شیوه‌ای پیشنهاد کرد مجمع علمی عربی دمشق «المجمع العلمی العربی بدمشق» بود. این مؤسسه، به هنگام انتشار کتاب «تاریخ دمشق»، از دانشمندان دعوت نمود که برای بررسی و تصحیح مجلدات این تاریخ، قواعدی تدوین نمایند که مورد استفاده مصححان باشد.

نوشته‌های ابراهیم مذکور، درباره شیوه تصحیح متون که در تصحیح و گردآوری افتادگی‌ها و اسقاط‌های نسخ خطی

۹-۲-۴- در قرن سوم هجری قمری، در بیت الحکمة مسئله مقابله و تصحیح در آداب ترجمه کتب سریانی و یونانی، مطرح بوده است.^{۵۱}

حنین بن اسحاق، روشی را که در مقابله نسخ بکار برده است چنین بیان می‌کند: «جوانی بیست ساله با کمی بیشتر بودم. این کتاب را برای یک طبیب در جندی شاپور ترجمه کردم و یک نسخه یونانی را که بسیار غلط داشت برای ترجمه برگزیدم، و چون به چهل سالگی رسیدم، شاگردم حبیب، از من خواست که آن ترجمه را تصحیح نمایم. چه در آن وقت بر چندین نسخه خطی از همان کتاب دست یافته بودم. پس این نسخه‌های خطی را با یکدیگر مقابله نمودم و از میان آنها متن یونانی صحیحی بدست آوردم. آنگاه این نسخه صحیح را با نسخه خطی سریانی مقابله کردم، و به کمک شاگردم، آن را اصلاح نمودم و این همان روشی است که در تمام ترجمه‌هایم از آن پیروی می‌نمایم».^{۵۲}

۱۰-۲-۴- مقابله متون در عصرهای اسلامی نخستین عبارت بوده است از: تطبیق دقیق متن اصلی با نسخه خطی که از روی آن استنساخ صورت گرفته است و یا با سایر نسخه‌های خطی دیگری از همان کتاب، بهترین مقابله‌ها آن بوده است که در حضور یا به معاونت دانشمندی انجام پذیرفته باشد.^{۵۳}

۱۱-۲-۴- شهید ثانی در کتاب شریف «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید» چنین نقل می‌کند: «اخفش گفته است: هرگاه کتابی استنساخ گردد و یا نسخه اصل و یا نسخه مورد اعتماد، مقابله و مطابقت نشود و پس از آن از روی همان نسخه نسخه دیگری تحریر شود و با نسخه اصل، مقابله و بر آن عرضه نگردد سرانجام به صورت کتابی گنگ و نامفهوم در می‌آید».^{۵۴}

۱۲-۲-۴- در باب اجازات که فصلی مهم در تاریخ اسلام به شمار می‌رود سنت بسیار پسندیده‌ای رایج بوده است و بر طبق این سنت، اجازه روایت برای کتب تفسیر، حدیث و حتی لغت زمانی بوده است که درخواست کننده اجازه روایت، کتب مذکور را برای یکی از علماء و دانشمندان می‌خوانده و در صورت تأیید دانشمند، اجازه روایت به او داده می‌شد.

۱۳-۲-۴- بسیاری از وراقان نیز از طریق مقابله به تصحیح و اصلاح متن می‌پرداختند و عبارات قابلت، عرضت، غورض، فویل مع و نظیر آن که در بسیاری از نسخ خطی به



یادآوری ها:

- ۱- برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نسخ مصحح چاپی فارسی و عربی در ایران، ۱۳۷۱ - ۱۳۶۲». دفاع شده در فروردین ۱۳۷۴ در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۲- پورممتاز، علیرضا/ فرهنگ جامع چاپ و نشر، ص ۲۸۲ (Manuscripts : دستنویس که به طور خلاصه M.S نامیده شده است).
- ۳- سمیعی، احمد/ مقاله نکته هایی در باب تصحیح متون، درباره ویرایش، ص ۱۱۰.
- ۴- نجفی/ ابوالحسن، غلط نویسیم، ص پنج (تقسیم بندی زبان: الف - زبان کهن ب - زبان گفتار امروز ج - زبان نوشتار امروز).
- ۵- معین، محمد/ فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۴۷۲۱ - ۴۷۲۰.
- ۶- الجبر، خلیل/ فرهنگ لاروس؛ ترجمه حمید طیبیان، ج ۲، ص ۲۰۴۳.
- ۷- دهخدا، علی اکبر/ لغت نامه، حرف ن، ص ۴۷۵.
- ۸- صافی، قاسم/ از چاپخانه تا کتابخانه، ص ۲۳۲.
- ۹- سلطانی، پوری و فروردین راستین/ اصطلاحنامه کتابداری، ص ۳۰۴.
- ۱۰- مایل هروی، نجیب/ کتاب آرای در تمدن اسلامی، ص ۸۱۴.
- ۱۱- همدانی، رشیدالدین/ لطائف الحقایق، ج ۲، ص ۲۰.
- ۱۲- مایل هروی، نجیب/ کتب آرای در تمدن اسلامی، ص ۸۱۵.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- برای تفصیل بیشتر رجوع شود به: نجیب مایل هروی/ نقد و تصحیح متون، جمال الدین شیرازیان/ روش تحقیق انتقادی متون، صلاح الدین المنجد/ قواعد تحقیق المخطوطات.
- ۱۵- به عنوان نمونه مراجعه شود به: مقدمه نسخ مصحح منیه المرید فی آداب المقید و المستفید/ رضا مختاری که در این مقدمه علت انتخاب نسخه های اصل و بدل از میان ۴۶ نسخه بدست آمده منیه المرید به تفصیل بیان شده است.
- ۱۶- مایل هروی، نجیب/ کتاب آرای در تمدن اسلامی، ص ۵۷۷.
- ۱۷- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۵.
- ۱۸- مایل هروی، نجیب/ کتاب آرای در تمدن اسلامی، ص ۸۱۴.
- ۱۹- همان، ص ۷۵۹.
- ۲۰- الحسینی، محمدعلی/ دراسات و تحقیقات، ص ۱۰۵.
- ۲۱- همان.
- ۲۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹.
- ۲۳- مجله معهد المخطوطات العربیة، الجزء الاول، سنة ۱۹۸۲ م.
- ۲۴- شیرازیان، جمال الدین/ روش تحقیق انتقادی متون، ص ۱۹۵.
- ۲۵- الحسینی، محمدعلی/ دراسات و تحقیقات، ص ۱۰۶.
- ۲۶- المنجد، صلاح الدین/ قواعد تحقیق المخطوطات، ص ۱۵.
- ۲۷- الانتصاری، محمدرضا/ فواید و هفوات و تحقیق، ص ۹ (با توجه به عصمت پیامبر (ص) در جنبه دریافت و ابلاغ وحی چنین استنباطی، تأمل بیشتری را طلب می کند).
- ۲۸- شیرازیان، جمال الدین/ روش تحقیق انتقادی متون، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
- ۲۹- حجتی، محمدباقر/ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۵۸۰.
- ۳۰- کارته، جرج/ مقاله کتابخانه و نجات نسخ خطی، پیام یونسکو، آبان ۱۳۶۹، ص ۶.
- ۳۱- زرین کوب، عبدالحسین/ نقد ادبی، ج ۱، ص ۹۴.
- ۳۲- محقق، مهدی/ تقریرات کلاس درس.

- ۳۳- ر.ک. مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۵۷ به بعد.
- ۳۴- محقق، مهدی/ مقاله روش تصحیح و نشر متون، مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایرانشناسی، ص ۳۲۵ (نقل با تصرف).
- ۳۵- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.
- ۳۶- تصحیف به معنای تغییرات غیر عمدی و تحریف به معنی تغییرات عمدی کاتبان بکار می رود.
- ۳۷- مسوده: به ضم میم و سکون ثانی و فتح واو و تشدید دال مشوذه به معنی سیاه و مجازاً به معنی نوشته و آنچه اول سرسری نوشته باشند تا بار دیگر آن را به صفا و خوبی نویسند. این لفظ مأخوذاند اسوداد بر وزن افلال است. (غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین رامپوری، غیاث اللغات، ص ۸۲۳ - ۸۲۴).
- ۳۸- مینه: علی اکبر دهخدا در لغت نامه گوید: «به معنی پاک نویسی. مقابل مسوده و ظاهراً استعمال فارسی است» (دهخدا، علی اکبر/ لغت نامه حرف م ص ۲۴۰).
- ۳۸- محقق، مهدی/ مقاله روش تصحیح و نشر متون، مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایرانشناسی، ص ۳۲۴.
- ۳۹- ترفیقه: ترفیم در لغت، کثابت کردن و آراستن و نقطه نهادن خط را گویند و در اصطلاح نسخه نویسان و کاتبان، عبارات پایان نسخه را می گویند که کاتب پس از دعا و صلوات از زمان و مکان کثابت باد می کند و به ذکر نام خود می پردازد. (مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۱۲۴).
- ۴۰- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۱۸۹ - ۱۸۹ و نیز مقاله «ترجمه عوارف المعارف سهروردی» از همو، نشر دانش ش دوم ۱۳۶۴ ص ۳۴ - ۴۰.
- ۴۱- ر.ک. مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۱۹۰ - ۲۰۰.
- ۴۲- سمیعی، احمد/ مقاله نکته هایی در باب تصحیح متون، درباره ویرایش، ص ۱۱۰ - ۱۱۹ (نقل با تصرف).
- ۴۳- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۳۰ - ۲۳۱.
- ۴۴- همان، ص ۲۳۲.
- ۴۵- همان، ص ۴۵۱ و زرین کوب عبدالحسین/ سرنی، ج ۲، ص ۷۷۱.
- ۴۶- جمال الدین انجو شیرازی، حسین بن حسن، قرن ۱۰ ق.
- ۴۷- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۳۴ - ۲۳۶.
- ۵۱- در این دوره، غریبه دادن کتب در بین دانشمندان سریانی عبارت بود از: خواندن، نسخه برداری کردن و مقابله نمودن (شیرازیان، جمال الدین/ روش تحقیق انتقادی متون، ص ۱۱۳).
- ۵۲- شیرازیان، جمال الدین/ روش تحقیق انتقادی متون، ص ۱۱۴، نقل از الرسالة، حنین بن اسحاق، ص ۳.
- ۵۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۵۴- حجتی، محمدباقر/ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ص ۵۸۰.
- ۵۵- مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۴۱.
- ۵۶- المنجد، صلاح الدین/ قواعد تحقیق المخطوطات، ص ۷ - ۸.
- ۵۷- قواعد نشر گروه غیوم بودیه در متون عربی توسط بلاشیر R. Blachere و سوفاجیه J. Sauvaget در کتابی تحت عنوان Regles Pour editions et traductions de textes arabes در سال ۱۹۵۳ به فرانسوی منتشر و به وسیله محمود مفداد به عربی ترجمه و تحت عنوان و قواعد تحقیق المخطوطات العربیة و ترجمتها در سال ۱۹۹۸ منتشر شده است.
- ۵۸- المنجد، صلاح الدین/ قواعد تحقیق المخطوطات، ص ۸.
- ۵۹- خدیوچ، حسین/ روش تصحیح نسخه های خطی، ص ۱۱ - ۱۳.
- ۶۰- ر.ک. مایل هروی، نجیب/ نقد و تصحیح متون، ص ۲۴۰ - ۲۴۸.
- ۶۱- این شخص در زمان امام صادق علیه السلام بوده و غیر از متوکل خلیفه عباسی است.
- ۶۲- فیض الاسلام، علینقی/ صحیفه سجاده، ص ۸ - ۱۶ (نقل با تلخیص) و ابیطی، محمدباقر/ الصحیفه السجاده الجامعة، ص ۶۱۶ - ۶۲۱.